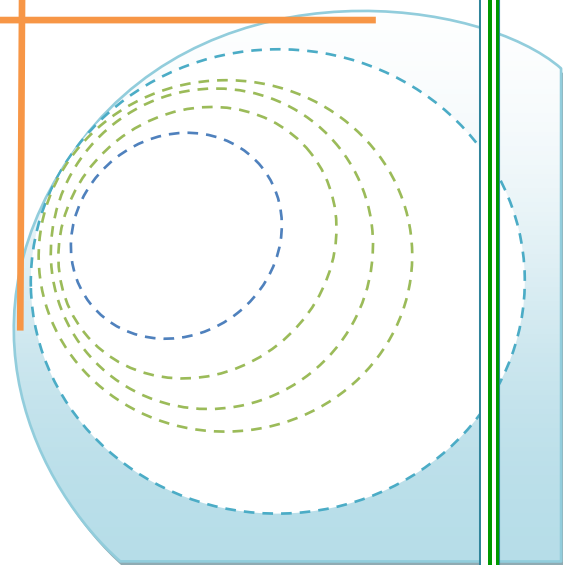


# گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

۵

چراپی انقلابی گری  
در دهه چهارم انقلاب

شهریور ماه ۱۳۹۵



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

حساسیت شرایط کنونی انقلاب که صف طویلی از دشمنان، معاندان و مستکبران را در مقابل خود دارد، جبهه‌ای نامتقارن از رویارویی را رقم زده است. جبهه‌ای که تلاش دارد با نفوذ فکری و سیاسی سبب تغییر در باورها و رفتارهای انقلابی مسئولان و مردم شود.

در این شرایط حساس، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سخنرانی‌های گوناگون «گفتمان انقلابی‌گری» را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد مقابله با آسیب‌ها و چالش‌های نظام اسلامی مطرح نموده‌اند. در واقع معظم‌له با دعوت همه دلسوزان نظام به تبیین و شفاف‌سازی در این عرصه، به دنبال پاسبانی و حراست از مرزهای انقلاب در مقابل توطئه‌ها و نفوذ دشمنان و جلوگیری از تحریف عناصر مانایی انقلاب اسلامی هستند.

از این رو ادارک و فهم چرایی طرح انقلابی‌گری، در گرو فهم روشن از چارچوب‌های نظری بحث است. به همین دلیل، در این شماره از گاهنامه بصائر بسیج، نقطه نظرات دکتر ملکوتیان بر گرفته از سخنرانی ایشان در جلسه شورای تحلیل و خبر معاونت سیاسی را با عنوان «چرایی انقلابی‌گری در دهه چهارم انقلاب اسلامی» به منظور تبیین چارچوب‌های نظری آن، ارائه نموده تا مورد بهره عزیزان مسئول و هادیان سیاسی در جلسات هدایت سیاسی واقع شود.

### مدیریت تحلیل و هدایت سیاسی

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین



## چرایی انقلابی‌گری در دهه چهارم انقلاب

چارچوب‌های بحث:

۱. رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره اهمیت انقلابی‌گری
۲. نتایج عمل انقلابی
۳. هدف انقلاب‌ها
۴. آرمان و رهبری انقلاب اسلامی
۵. مقایسه نتایج انقلاب اسلامی
۶. به سوی آینده

### اشاره:

در ابتدا اشاره‌ای به رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با بحث اهمیت انقلابی‌گری شده و سپس بحثی با عنوان نتایج عمل انقلابی ارائه می‌شود. اینکه تأکید می‌شود ما بایستی همچنان انقلابی باقی بمانیم و انقلابی عمل کنیم چه نتایجی می‌تواند داشته باشد و در واقع انقلابی‌گری به چه نکته‌های مثبتی می‌تواند منجر شود؟

بحث بعدی در مورد هدف انقلاب‌ها است. به هر حال هدف همه انقلاب‌ها ایجاد تغییر است، منتها انقلاب اسلامی خواسته‌های تغییراتی را در راستای اعتقادات ملی و انسانی به پیش ببرد، از این رو مجموعه‌ای از مسائل مطرح می‌شود. سپس موضوعی با عنوان آرمان و رهبری انقلاب اسلامی طرح خواهد شد. به این دلیل که نوع آرمان هر انقلابی و نوع رهبری هر انقلابی ارتباط مستقیمی با نتایج بعد از انقلاب‌ها، پیامدهای انقلاب‌ها و با ایجاد تغییر در محیط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی یا جهانی دارد.

بحث بعدی مختصری است با عنوان مقایسه نتایج انقلاب اسلامی. این مقایسه را خیلی مختصر با شرایط پیش از انقلاب اسلامی در خود کشور باید توجه کنیم. این بحث، بحث تغییر است. به این معنی که تغییراتی هم در رابطه با کشورهای همسایه و هم در ابعاد جهانی انقلاب اسلامی، صورت گرفته است.

آخرین موضوع نیز بحثی است با عنوان به سوی آینده، که به نوعی آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و مشکلاتی که ما الآن داریم می‌پردازد. اینکه برای تداوم انقلاب اسلامی در این زمینه‌ها، چه پیشنهادهایی را باید اجرا کنیم و در نهایت هم یک بحث مختصری با عنوان نتیجه ارائه می‌شود.

اولین نکته رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با تداوم انقلاب عبارت است از اینکه "انقلاب یک امر مستمر و حقیقت ماندگار و دائمی است" و انقلاب به معنی دگرگونی است، دگرگونی هم حد وسط ندارد و تمام نمی شود. کاری که انقلاب در آغاز می کند تفهیم آرمان های انقلاب است. اگر در رابطه با انقلاب اسلامی صحبت می کنیم، آرمان انقلاب اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی در واقع ایجاد حیات طیبه است. یکی از خصوصیات این حیات طیبه هم ایمان به خدا و کفر به طاغوت است و در همین جا اشاره می فرمایند که عده ای اصرار دارند که انقلاب اسلامی ایران را با عنوان انقلاب ۵۷ یاد کنند و حتی از بردن نام اسلام هم ابا دارند و حیا می کنند و از آن می ترسند که انقلاب را با عنوان یک انقلاب اسلامی یاد کنند.

نکته دیگر در این رابطه آن است که حضرت آقا می فرمایند: دشمنان وعده می دهند امروزه به ویژه بعد از قضیه برجام به دوستان خودشان و به دیگران و به جهانیان می گویند که ۱۰ سال دیگر ایران دیگر ایرانی که الان هست نخواهد بود! ولی ما برای مقابله با نقشه های دشمن باید به حب انقلابی اهمیت دهیم. اگر توجه به آرمان های انقلاب داشته باشیم، آنها در همه اهدافشان شکست خواهند خورد. جمهوری اسلامی باید مظهر تفکر انقلابی باشد و در راستای انقلاب گام بردارد.

نکاتی را هم در واقع در رابطه با ایستادگی در مقابل دشمن فرمودند. در همین رابطه یکی شناخت دشمن و شناخت نقاط قوت و ضعف دشمن در این راستا باید مورد توجه قرار بگیرد. دیگر اینکه دشمن مدام تلاش می کند تا در باورها (باورهای مسئولان یا باورهای عمومی، دانشگاهیان، مردم و ...) خللی ایجاد کند. ما باید با برنامه ریزی در مقابل این تلاش های دشمن ایستادگی کنیم. حضرت آقا در یکی از سخنرانی هایشان فرمودند: یک انقلابی هستیم، و در واقع یک فرد انقلابی خواستار ادامه اجرای آرمان های انقلاب و دستیابی به اهدافی می باشد که در این آرمان ها مشخص شده است.

این بحث یکی از مباحث مهم دیدگاه های حضرت آقا در رابطه با انقلابی بودن و اهمیت عمل انقلابی بود. همچنین از نظر ایشان انقلاب، زمان نمی شناسد و نباید کسی تصور کند که حالا که انقلاب به پیروزی رسیده و قدرت در دستان ما قرار گرفته است، ما دیگر بایستی طرفدار وضع موجود باشیم، با شرایط به قول امروزی ها واقع گرا باشیم و با شرایط بسازیم، بلکه باید بر مبنای تصویر آرمان هایی که در بالا داریم همیشه راهکارهایی آماده داشته باشیم تا به آن آرمان ها نزدیک شویم. اما عمل انقلابی و انقلابی بودن در واقع چه نتایجی می تواند به همراه داشته باشد؟

تفاوت تفکر انقلابی و انقلابی عمل کردن با روش های دیگر اساساً از لحاظ تئوری تفکر انقلابی و انقلابی عمل کردن چه تفاوتی با روش های دیگر (روش هایی که امروزه روش های اصلاحی می گویند؛ همانند بی توجهی به افکار و آرمان های انقلابی) دارد؟ امروزه آنچه در خود غرب هم می بینیم، می شود گفت که نتیجه انقلاب است. اما انقلاب ها می توانند آرمان های خوب و آرمان های بد داشته باشند. در واقع در یک انقلاب اسلامی، آرمان های ناب و خوب وجود دارد. ولی انقلاب هایی مثل انقلاب فرانسه

که در واقع در سال ۱۸۸۹ اتفاق افتاد، آرمان‌هایش فقط خلاصه می‌شود در لیبرالیسم و نتیجه‌اش معلوم نبود که به سود و نفع حتی این جهانی بشریت تمام بشود یا نه. کما اینکه شما وضعیت جهان غرب را می‌بینید. ولی به هر حال عمل انقلابی با توجه به آرمان‌هایی که شما دارید می‌تواند شما را به پیش ببرد.

## ۲- نتایج عمل انقلابی

### اولین نتیجه عمل انقلابی؛ بسیج همه نیروها و امکانات

اولین نتیجه‌ای که در واقع به دنبال اقدام بر مبنای عمل انقلابی به دست می‌آید این است که ما با بسیج همه نیروها و امکانات مواجه می‌شویم. ما نمی‌توانیم در شرایط عادی دست به چنین بسیجی بزنیم. تنها فکر انقلابی و افکار انقلابی است که می‌تواند یک کشور را کانالیزه کند و به طرف یک هدف مشخص به نتیجه برساند.

شما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زمان جنگ تحمیلی ببینید که اگر ما همه امکانات کشور را بسیج نمی‌کردیم و همه مردم را به طرف جنگ بسیج نمی‌کردیم در حالی که دشمنان ما در شرق و غرب همه علیه ما کار می‌کردند و در منطقه دولت‌ها در اختیار غریبها بودند، صدام را مأمور کردند که بیاید به ما ضربه بزند و انقلاب اسلامی را از پا در بیاورد، چه اتفاقی می‌افتاد. همین بسیج امکانات در تمام کشور باعث شد که در همه لحظه‌های جنگ نتیجه بگیریم. آخرینش در عملیات مرصاد بود؛ زمانی که ما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتیم، آنها گمان کردند که به علت ضعف ما است. همین امر باعث شد تا صدام با منافقین همکاری کرد ارتش عراق با کمک منافقین وارد خاک کشور شدند. اما حضرت امام از مدت‌ها قبل از مردم خواستند که برای دفاع بروند. نتیجه اینکه بسیج مجهزی از نیروها صورت گرفت و نیروهای حمله‌کننده که می‌خواستند ظرف چند هفته خودشان را به تهران برسانند در بیابان‌های غرب کشور گرفتار نیروهای ما شدند و از بین رفتند و عملیات آنها با شکست مواجه شد. این نتیجه بسیج انقلابی بود که ما در جنگ و در بسیاری از تحولات بعد از جنگ داشته و داریم. بسیج همه امکانات فقط با فکر انقلابی و عمل انقلابی امکان‌پذیر است و اگر غیر از این باشد موفق نمی‌شویم.

### دومین نتیجه عمل انقلابی؛ کاهش دادن فاصله و زمان برای دستیابی به پیشرفت

نتیجه دومی که عمل انقلابی و انقلابی عمل کردن به دنبال می‌آورد این است که فاصله و زمان برای دستیابی به هدف را کاهش می‌دهد. این یک نکته بسیار مهم و کلیدی است. به این معنی که مثلاً اگر در زمان پیروزی انقلاب اسلامی فاصله ما از لحاظ علمی با دنیای پیشرفته را بررسی می‌کردید می‌گفتید که ۳۰۰ سال فاصله دارد و ما به این زودی‌ها به آن مراحل از پیشرفت نمی‌رسیم. اما فکر و عمل انقلابی با بسیج کردن بسیاری از زمینه‌ها می‌تواند نقاط ضعف را کم کند و کشور را به قله‌های پیشرفت نزدیک نماید.

اگر می‌خواهیم به دانش فنی و تجربی و فناوری که تدبیر دانش و صنعت است و علوم انسانی و اجتماعی بومی برسیم چاره‌ای نداریم جز اینکه از طریق فکر انقلابی عمل کنیم.

یکی از دلایلی که غربی‌ها مدام علیه ما کار می‌کنند این است که جلوی پیشرفت ما را بگیرند. اگر ما پیشرفت کنیم تبدیل به الگویی برای جهانیان خواهیم شد. غربی‌ها پیشرفت را برای تولید کالا می‌خواهند. آنها پیشرفت را تبدیل به ثروت می‌کنند و به کشورهای غیر پیشرفته می‌فروشند. آنها می‌فهمند که اگر کشوری مثل ایران بعد از

انقلاب به پیشرفت نائل شود می‌تواند روی پای خود بایستد و به خودکفایی برسد. نمونه‌اش موتور هواپیما ساخته شده توسط نیروها و مهندسان داخلی کشور است که فناوری بسیار بالایی می‌خواهد.

اکنون ایران اسلامی چه در مقایسه با شرایط قبل از انقلاب و چه در مقایسه با کشورهای منطقه وضعیتش بسیار تغییر کرده و این تغییرات ناشی از تفکر انقلاب بوده است. بنابراین دومین نتیجه‌ای که عمل بر اساس افکار انقلابی به دست می‌دهد، کم شدن زمان برای پیشرفت است؛ یعنی برای اینکه این فاصله را پر کنیم، فقط از طریق بسیج همه امکانات می‌توانیم این کار را بکنیم.

#### سومین نتیجه عمل انقلابی

#### تولید قدرت، حل مشکلات و معضلات جامعه و پیشگیری از مشکلات احتمالی

سومین نتیجه عمل براساس فکر انقلابی، در واقع حل مشکلات و معضلات جامعه و پیشگیری از مشکلات احتمالی و در نتیجه ایجاد ثبات و قوام اجتماعی و ایجاد قدرت است. یعنی وقتی شما مشکلات و معضلات را از پیش می‌شناسید برای آنها برنامه‌ریزی می‌کنید و در راستای حل آنها گام برمی‌دارید و از طریق فکر انقلابی این کار را انجام می‌دهید و این خود زمینه‌ای برای ثبات می‌شود.

در فصل ۱۹ تئوری‌هایی که به عنوان تئوری‌های توسعه است تقریباً همه تئوری‌ها، پیش‌زمینه پیشرفت در یک کشور را ثبات و قوام اجتماعی می‌دانند. بنابراین تلاش در راستای حل معضلات اجتماعی در آینده و پیشگیری از آنها باعث ثبات و قوام اجتماعی می‌شود و خود این زمینه پیشرفت کشور را برای اجرای برنامه‌هایی که برای رشد کشور لازم است فراهم می‌کند.

#### مهم‌ترین نتیجه افکار انقلابی؛ ایجاد معضلات برای دشمنان خارجی نظام

از مهم‌ترین نتایجی که اجرای افکار انقلابی به دنبال دارد ایجاد معضلات برای دشمنان خارجی نظام است. این یک بحث ادامه‌دار است. بعضی از تئوری‌های انقلابی می‌گویند ما باید فقط به داخل کشور بپردازیم و یک جمهوری نمونه ارائه دهیم تا دیگران نیز در بیرون تحت تأثیر قرار بگیرند و به فکر انقلابی روی بیاورند. بعضی از تئوری‌ها نیز در نقطه مقابل می‌گویند نه، ما بایستی کاری کنیم که مشکلات و معضلات برای دشمنان بیرونی ما فراهم شود و آنها ناتوان شوند؛ یعنی آنقدر مشکل و چالش در محیط بین‌الملل برای آنها به وجود آید که آنها دیگر نتوانند و فرصت آن را نیابند که برای ما مسأله و مشکل ایجاد کنند.

در واقع ما در انقلاب اسلامی این دو تئوری را با همدیگر مخلوط کرده‌ایم؛ چرا که از یک طرف معتقدیم بایستی یک جامعه نمونه ارائه دهیم و از طرف دیگر نباید فراموش کنیم که اگر دشمنان خارجی را به حال خود بگذاریم مدام علیه ما توطئه می‌کنند، مدام علیه ما متحد می‌شوند و مسائلی از این دست که دائم اتفاق می‌افتد. بنابراین یکی از نتایجی که عمل انقلابی و عمل بر اساس افکار انقلابی به دست می‌دهد در واقع ایجاد مشکلات جهانی برای دشمنان کشور و برای دشمنان انقلاب است.

#### آخرین نتیجه عمل انقلابی؛ به انجام رساندن عمل با کمترین هزینه

آخرین موردی که در رابطه با نتایج عمل بر مبنای افکار انقلابی می‌توان به فهرست اضافه کرد این است که روحیه انقلابی معمولاً یک روحیه سالم و یک روحیه ضد فساد است و با کمترین هزینه عمل را به انجام

می‌رساند. وقتی انسان بر مبنای اعتقاداتش جلو می‌رود به فکر هزینه نیست، به فکر دریافت مزد نیست، شما نگاه کنید در آغاز انقلاب زمانی که جهاد سازندگی تشکیل شد و یا بسیج مستضعفین هیچ کس به خاطر اینکه به مزایایی برسد وارد این سازمان‌ها نمی‌شود و ما توانستیم از این طریق به بسیاری از روستاهای کشور آب، برق، تلفن، گاز، آسفالت و غیره برسانیم. همه اینها بدون چشم‌داشت صورت می‌گرفت. فکر انقلابی در واقع زمینه‌ای برای پیشرفت کشور است.

بسیاری نمی‌دانند که وضعیت کشور، از لحاظ شرایط اقتصادی چگونه بوده است. متأسفانه خیلی‌ها وقتی می‌خواهند در جامعه از لحاظ اقتصادی، اظهار نظر کنند، شرایطشان را با دو ماه قبل مقایسه می‌کنند نه اینکه با ۵ سال قبل و ۱۰ سال قبل، ۲۰ سال قبل یا ۳۰ سال قبل که انقلاب پیروز شد. اگر این مقایسه را انجام دهیم، اگر یادمان باشد که در آغاز انقلاب هیچ شهری از کشور گاز نداشت و دارای نعمت گاز طبیعی نبود، اگر این فیلم‌هایی که برای آن زمان هست را ببینیم که مردم در سرمای زمستان می‌رفتند یک پیت نفت بخرند، اگر توجه بکنیم به اینکه ما تعداد محدود سد در این کشور داشتیم و تمام آب‌ها به سیلاب تبدیل و نابود می‌شد و از بین می‌رفت، آن وقت درمی‌یابیم که تاملی این کارها تنها با فکر و عمل انقلابی ممکن خواهد شد.

باید توجه داشته باشیم که غربی خود نیز با انقلاب به پیشرفت رسیدند و اگر امروز با انقلاب مخالفند چون آگاهند که انقلاب باعث پیشرفت می‌شود.

سیطره جهانی غرب از طریق سیطره علمی ایجاد شده است. بالاخره یکی از پایه‌های جهانی غرب، سیطره علمی است. ما اگر بتوانیم در دانش‌های اساسی مثلاً در ۱۰ تا از دانشگاه‌ها، پیشرفت‌های قابل ملاحظه داشته باشیم آنگاه می‌توانیم این دانش‌ها را به دیگران و به دوستانمان در دنیا یاد بدهیم و این کار باعث می‌شود که غرب از میلیارد میلیارد سرمایه در جهان محروم شود.

نتیجه اینکه نوع عمل و پیشرفتی که در اثر افکار انقلابی به وجود می‌آید را می‌توانیم بدون چشم‌داشت در اختیار ملت‌های ضعیف و مظلوم دنیا قرار دهیم و به این ترتیب پیکره جهانی غرب را درهم بشکنیم و غربی‌ها در این منطقه از این موضوع هراسانند. در واقع آنها از این می‌ترسند که ما بتوانیم در ده یا بیست سال بعد برای ۵۰ کشور دنیا ماهواره بفرستیم و به آنها از لحاظ هسته‌ای و لیزر کمک کنیم. اینهاست که پیکره جهانی غرب را می‌شکند. بنابراین فکر انقلابی و عمل انقلابی می‌تواند دنیا را تحت تأثیر قرار دهد. ما سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی رخ داد یک کشور جهان‌سومی بیشتر نبودیم ولی غرب آرام آرام مشاهده کرد که پایه‌های قدرتش در زمینه‌های مختلف در حال تزلزل است، به دشمن اصلی غرب تبدیل شدیم و امروزه غربی‌ها صبح تا شام علیه ما توطئه می‌کنند به این دلیل که تفکر انقلابی برای آنها برای آینده‌شان، برای سیطره جهانی‌شان، برای فناوری‌شان برای مدیریت‌شان، برای تمدن‌شان و برای هویت‌شان خطرناک است. امروزه غرب بسیاری از کشورها را اطراف خودش جمع کرده است و همه علیه ما کار می‌کنند ولی از پس ما بر نمی‌آیند این نتیجه فکر انقلابی و نتیجه عمل بر مبنای افکار انقلاب اسلامی است.

بنابراین افکار انقلابی و تداوم افکار انقلابی می‌تواند مسائل منطقه‌ای و جهانی را به طور مستقیم تحت شعاع

خود قرار دهد. اتفاقاً یکی از دانشمندان غربی به نام وایت، تحقیقی انجام داده در رابطه با اینکه آیا انقلاب‌ها تاریخ معاصر دنیا را بیشتر ساخته‌اند یا افکار و رفتار غیر انقلابی، مثلاً اصلاحات و... وی به نتیجه می‌رسد که در ۳۱۲ سال گذشته که افکار انقلابی وجود داشته است فعالیت و پیشرفت دنیای معاصر به وجود آمده است.

خود آنهایی که با انقلاب اسلامی و با انقلاب مخالفت می‌کنند به خاطر منافعشان است. آنها می‌دانند که خودشان هم از طریق انقلاب پیشرفت کردند. به عنوان مثال آمریکایی‌ها می‌گویند ما انقلاب داشتیم، چینی‌ها داشتند، روس‌ها داشتند، ژاپنی‌ها داشتند، انگلیسی‌ها داشتند، همه این کشورها که امروزه توانستند در فناوری پیشرفتهایی را به دست بیاورند که همه از طریق انقلاب ب‌ها این پیشرفت دست یافته‌اند. بنابراین راه پیشرفت و دستیابی به مراحل بالا از انقلاب‌ها می‌گذرد و نه از کار غیر انقلابی، و انقلاب اسلامی ایران که یک انقلاب مقدس است با اهداف و آرمان‌های ویژه در واقع سرآمد همه انقلاب‌های معاصر است.

### ۳- هدف انقلاب‌ها

در رابطه با بحث انقلاب‌ها معمولاً چهار بحث را می‌توانیم مطرح کنیم:

۱- چیستی انقلاب؛

۲- چرایی وقوع؛

۳- چگونگی وقوع؛

۴- نتایج و پیامدهای وقوع.

از این چهار عنوان دو بحث آ به طور مستقیم با تغییر که بحث الآن ما است و انقلابی ماندن سروکار دارد. در بحث چیستی انقلاب، ما می‌گوییم که انقلاب در واقع به معنی دگرگون شدن است. به معنی زیر و رو شدن است که البته بر مبنای آرمان‌های هر انقلابی صورت می‌گیرد. هر انقلابی آرمان‌هایش، میزان، نوع و چگونگی این تغییر را ترسیم می‌کند. حال یک انقلاب چقدر می‌تواند تغییر ایجاد کند؟

معمولاً در رابطه با میزان تغییرات، انقلاب‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

اول از لحاظ ماهیت که بستگی به آرمان انقلاب دارد و دوم ماهیت تغییرات، که ممکن است ماهیت تغییر چیزی باشد که غربی‌ها در لیبرالیسم ملاحظه می‌کنند.

در انقلاب‌های مارکسیستی بیشتر برابری اقتصادی را ترسیم می‌کردند، اما در انقلاب اسلامی، در واقع دستیابی به آرمان‌های متعالی مد نظر است. به هر حال همه، خواستار تغییرند که این تغییرات همانطور که گفتیم بر مبنای آرمان هر انقلابی می‌تواند متفاوت باشد.

در رابطه با میزان تغییرات نیز می‌توان دسته‌بندی زیر را ارائه داد:

الف) انقلاب‌های سیاسی؛

ب) انقلاب‌های اجتماعی.

در انقلاب‌های سیاسی: تغییراتی که انقلاب خواستار آن است به تغییرات سیاسی محدود می‌شود؛ مثلاً



انقلابیون خواستار این می‌شوند که یک شغل به حکومت اضافه شود یا یک شغل از حکومت کسر شود یا یک ساختار حکومتی اضافه شود. مثلاً مجلس قدرتش اندکی اضافه شود، رئیس‌جمهور قدرتش کم شود، یا بر عکس اتفاق بیفتد یا اینکه حداکثر نوع رژیم سیاسی تغییر می‌کند. ولی بیشتر تغییرات سیاسی است و یا انقلاب‌هایی سیاسی‌اند؛ مثلاً انقلاب مشروطه در ایران و انقلاب انگلیس یک انقلاب سیاسی است. همچنین انقلاب‌هایی که در جهان عرب در همین دوره ما اتفاق افتاده سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) انقلاب مصر، انقلاب تونس، انقلاب لیبی، اینها بیشتر انقلاب‌های سیاسی بودند و کمتر انقلاب‌های اجتماعی بوده‌اند.

اما در انقلاب‌های اجتماعی تغییرات گسترده است؛ مثل انقلاب اسلامی ایران. در انقلاب‌های اجتماعی هم نوع نظام سیاسی و هم شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و مجموعه‌ای از شرایط، شرایط بین‌المللی تغییر می‌کند. انقلاب تأثیراتی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. گاهی وقت‌ها نظام جهانی تغییر می‌کند، که ان‌شاءالله در آینده شاهد تغییر نظام جهانی بر اثر انقلاب اسلامی ایران خواهیم بود.

چیزی که تا حالا اتفاق افتاده یک تغییر بوده است و آن نظام دوقطبی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۸۵ با روی کار آمدن آقای میخائیل گورباچوف در اتحاد شوروی، در سال ۱۹۹۱ می‌شود گفت نظام ناسیونالیستی دچار فروپاشی شد. هشت کشور از اروپای شرقی به علاوه روسیه و کشورهای اقماری آنها بودند که همه نظام‌های سیاسی‌شان تغییر کرد و بلوک شرق دچار فروپاشی شد. بدون شک یکی از عوامل اصلی فروپاشی آنها، انقلاب اسلامی بود.

**انقلاب اسلامی ایران از چند طریق فروپاشی نظام جهانی در آن زمان را تلطیف کرد (یعنی فروپاشی نظام مارکسیستی را):**

۱- اهداف نظام مارکسیستی در جهان اسلام را تضعیف کرد.  
 ۲- انقلاب اسلامی روی جمهوری‌های جنوبی اتحاد شوروی سابق به علاوه مسلمانان و خود روسیه تأثیر گذاشت.

۳- انقلاب اسلامی ایران به مجاهدان افغان کمک کرد که در مقابل روس‌های متجاوز ایستادگی کردند و این ایستادگی در نهایت باعث شد که فروپاشی اتحاد شوروی هم به دنبال این انقلاب‌ها اتفاق بیفتند.  
 انقلاب اسلامی یکی از عوامل اصلی فروپاشی نظام‌ها بود اما قضایا تمام نشده است و همین که غرب با ما به عنوان یک دشمن بزرگ برخورد می‌کند و مدام علیه ما کار می‌کند و در همه جا در واقع پرونده ایران را باز کرده است، این نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی یقه غرب را گرفته است و حال احساس می‌کند که انقلاب اسلامی به نابودی او منجر خواهد شد. این که می‌گوییم نظام انقلاب‌ها گاهی نظام جهانی را از بین می‌برند سرنوشت مختوم و آینده غرب است و گرنه اگر غرب نمی‌ترسید کار زیادی با کار ما نداشت.

بحث بمب اتمی و اینها بهانه است؛ چرا که غربی‌ها بمب اتمی به حد کافی در اختیار دارند و قطعاً ما نباید بمب اتمی هم بسازیم و نباید از غرب که داری بمب اتمی است بترسیم؛ چرا که آمریکایی‌ها در آن شرایط جنگ سرد می‌گفتند می‌توانند چهار بار کره زمین را با بمب‌های اتمی زیر و رو کنند. بنابراین بحث اتمی و اینها نیست و

در واقع غرب از یک چیزی می‌ترسد که یقه ما را رها نمی‌کند و آن ترس در واقع این است که نظام جهانی دچار فروپاشی شود.

به هر حال ما بحث‌های مربوط به تغییر را هم در قسمت مربوط به چیستی و تعریف انقلاب و هم در قسمت نتایج انقلاب داریم. جالب است بدانید که غربی‌ها امروزه در مورد نتایج مثبت انقلاب‌ها چیزی نمی‌نویسند. این نکته‌ای نیست که ما بگوییم و نتیجه‌ای نیست که ما گرفته باشیم. خیلی از مقالات توسط خود غربی‌ها وجود دارد که در آنجا به صراحت گفته می‌شود که ما غربی‌ها از اینکه نتایج مثبت انقلاب‌ها را بازگو کنیم می‌ترسیم.

علت ترس مشخص است. اگر روی نتایج مفید انقلاب‌ها کار کنیم (کار علمی انجام دهیم) و تئوری در موردش بنویسیم (بیشتر تئوری‌ها در مورد چگونگی وقوع است و کمتر در مورد نتایج انقلاب‌ها نوشته می‌شود)، اگر این کار را بکنیم به معنی این است که منافع خودمان را تامین کرده‌ایم. هر جا انقلاب می‌شود اول منافع غرب است که تهدید می‌شود. بنابراین باید هر چه بیشتر درباره نتایج مثبت انقلاب‌ها بنویسیم.

۴- نقش آرمان و رهبری انقلاب اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی  
نکته بعدی بحثی است با عنوان نقش آرمان و رهبری انقلاب اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی. اینکه ما بایستی به روش‌های مبتنی بر انقلاب توجه کنیم و حتی اگر در سال‌های گذشته اشتباهاتی داشته‌ایم، چه ایرادی دارد برگردیم و در پی جبران و اصلاح باشیم. مثلاً فرض کنید که جهاد سازندگی را در وزارت کشاورزی ادغام کردیم، حالا باید ببینیم آیا این کار درستی بود، نتایجش مثبت بود، اگر اشتباه کرده‌ایم عیبی ندارد می‌توانیم دست نگه داریم. اگر فکر انقلابی حاکم باشد، آزمایش می‌کند، آزمون و تجربه، چیز خوبی است می‌تواند به ما کمک کند.

به هر حال در ادامه بحث مختصری در رابطه با نقش آرمان و رهبری انقلاب اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی داریم. یک بحث بسیار کلیدی است. ما در رابطه با آرمان انقلاب اسلامی می‌توانیم هم به محتوای آرمانی انقلاب (تا پتانسیل انقلاب) و هم به تدوین آن توجه کنیم.

از لحاظ تدوین آرمان انقلاب اسلامی چیزی که رخ داد در کشور ما این است که ایدئولوژی‌هایی قبل از اینکه بحث انقلاب اسلامی مطرح شود در کشور ما مطرح شد، ولی همه آنها شکست خوردند. در این شرایط بود که آرمان انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت و بحث‌های حضرت امام در رابطه با ولایت فقیه هم در دهه ۴۰ و در سال ۴۷ درگیری ما را کامل کرد.

تفاوتی که بین انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها وجود دارد بحث جامعیت آرمانی است. جامعیت آرمانی یعنی اینکه آنها نتوانستند تغییرات لازم را ایجاد کنند و حتی نتوانستند انقلابی باقی بمانند (مثلاً نهضت ملی شدن صنعت نفت)، اما انقلاب اسلامی این جامعیت را محقق کرد.

اگر به فرانسوی‌ها بگویید مردم چه می‌خواستند می‌گویند مردم آزادی می‌خواستند، اگر به روس‌ها بگویید

مردم در انقلاب ۱۹۱۹ چه می‌خواستند می‌گویند برابری اقتصادی می‌خواستند، اگر به نهضت‌های رهایی‌بخش مردم الجزایر بگویید که مردم از فرانسوی‌ها چه می‌خواستند می‌گویند ما استقلال می‌خواستیم. اما در انقلاب اسلامی ایران همه اینها یک جا وجود دارد. ما می‌گوییم در انقلاب اسلامی بحث جامعیت و آرمانی مطرح است، همانطور که اسلام دینی جامع و کامل است انقلاب اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز کامل است. در آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و همین‌طور آزادی، برابری، استقلال و پیشرفت، همه اینها به صورت یکجا وجود دارد. یعنی اینکه ما از جاهای دیگر این قسمت‌ها را گرفتیم؟ نه این به خاطر ماهیت خود اسلام است، در خود آرمان انقلاب اسلامی همه این موارد را می‌بینیم. این جامعیت، جامعیت آرمانی هم باعث تداوم انقلاب و هم باعث بازتاب‌های گسترده انقلاب می‌شود که در سطوح منطقه‌ای و جهانی شکل می‌گیرد.

یکی از دلایلی که غربی‌ها از پس ما بر نمی‌آیند بحث جامعیت آرمانی است. هیچ چیز خوبی نیست که در این آرمان نباشد، هیچ پرچمی باقی نمانده است که یکی دیگر آن را به دوش بگیرد و افراد را به طرف خودش بکشد. ما در اینجا از جامعیت آرمانی بحث می‌کنیم این جامعیت در واقع باعث تداوم فکر انقلابی در داخل، در منطقه و در جهان شد.

یک بحث اصالت فرهنگی رهبری را داریم. هدف ما اسلام و مکتب اسلام بود و همین‌طور عمل بر مبنای تکلیف، مبنای کار بود. حضرت امام هم در تمام رفتارهایش فقط بر مبنای تکلیف الهی عمل می‌کرد و قاطعیت انقلابی هم بر همین مبنا وجود داشت. حضرت امام از راهبردهایی استفاده می‌کرد که در هر مرحله، یکی از این راهبردها مورد توجه بود. مثلاً در شرایطی که در تبعید بودند، به تربیت گروهی از شاگردان پرداختند که بعداً بتوانند و توانستند در انقلاب نقش مهمی را در استان‌ها و شهرها ایفا کنند.

در واقع در راهبرد تربیت نیروهای انقلابی تبعیت کردند و در زمان شروع انقلاب اسلامی حرکت نهایی که از ۱۹ دی در قم هم شروع شد، حضرت امام بر راهبردهای ویژه‌ای کار کردند. یکی از این نقش‌ها، انتخاب راهبردهای انقلابی است. امام اگر دست به اسلحه می‌برد احتمال تلفات و از دست دادن پیروزی زیاد می‌شد، بنابراین استفاده از راهبردهای مناسب یکی از وظایف انقلابی است که حضرت امام به خوبی این راهبردها را انتخاب و اجرا کردند. در تشکیل نظام سیاسی جدید و همین‌طور در تحولات بعد از انقلاب تا زمانی که حضرت امام حضور داشتند و هم از آن زمان که رهبری در واقع انقلاب به دست توانای رهبر فرزانه قرار گرفت، در واقع ما این قاطعیت را می‌بینیم، ما این جسارت را می‌بینیم، ما این تداوم انقلاب را می‌بینیم. انقلاب‌هایی که در واقع تفهیم مسائل روزمره شدند و رهبران انقلابی آمدند و شرایط ظاهری این جهانی را پذیرفتند در نهایت انقلاب نیز از بین رفت و امروزه نامی از آن انقلاب‌ها دیگر وجود ندارد.

و از این بدتر که آن انقلابی که یک زمان انقلاب پیروزی بوده سران آن انقلاب‌ها به تدریج با غربی‌ها خوش‌وبش و رفت‌وآمدها کرده‌اند با این تصور که همه کارها دست آنهاست و اگر ما با آنها روابطمان اصلاح بشود آنها به ما کمک خواهند کرد که البته تجربه ثابت کرده است که این چنین نیست؛ به ویژه در کشور خودمان.

همه بعد از قضیه برجام دیدیم که غربی‌ها کوچک‌ترین قدمی در اجرای برجام حتی در راستای همان چیزهایی که تعهد کردند بر نداشتند. امروز آمریکایی‌ها را می‌بینیم که با توجه به "قدرت پولی" به همه سازمان‌های پولی و بانک‌ها گفته‌اند که اگر شما راه را برای ورود ایران به بازارهای جهانی باز کنید با شما برخورد می‌کنیم. به ظاهر می‌گویند ما تحریم‌ها را بر داشته‌ایم، ولی در عمل این طور نیست. ما باید واقعاً در آسیب‌شناسی تداوم راه انقلاب فکر کنیم؛ در این رابطه که آیا محصولی که ما در این رابطه داریم تعقیب می‌کنیم می‌تواند به نتیجه مثبتی برسد. در ادامه این بحث و نقش رهبری انقلاب در تداوم افکار انقلابی موضوع اشغال لانه جاسوسی قابل توجه است. حضرت امام بعد از اینکه باخبر شدند که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام رفتند و لانه جاسوسی آمریکا را اشغال کردند، فرمودند باز در این مملکت انقلاب است، انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول و بعد فرمودند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و دو بار این نکته را فرمودند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و ما دیدیم که واقعاً آمریکایی‌ها از آن زمان به بعد در همه توطئه‌ها علیه ما شکست خوردند و نتوانستند به اهداف پلید خودشان برسند. این هم فقط به خاطر این است که فکر انقلابی تداوم پیدا کند. اگر فکر انقلابی در یک جایی قطع شود آنها گام‌های بعدی را هم بر می‌دارند ما هم تبدیل می‌شویم به یک کشور جهان سومی، ما هم تبدیل می‌شویم به یک کشور عقب افتاده و دور افتاده از پیشرفت و خیلی چیزهای دیگر که آنها در نظر دارند و اگر آنها تا حالا به این نتایج نرسیدند، و در واقع با مشکلات جهانی مواجه‌اند به خاطر این است که فکر انقلابی در واقع از مرکزیت انقلاب ادامه پیدا کرده است.

#### ۵- مقایسه نتایج انقلاب اسلامی

با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری در رابطه با وضعیت قبل از انقلاب با وضعیت فعلی، یک مقایسه‌ای وجود دارد که می‌فرمایند در وضعیت فرهنگی رژیم پهلوی انحطاط فرهنگی وجود داشت، غربزدگی وجود داشت، عدم خودباوری بود، احساس حقارت بود، نبودن بصیرت بود، اسلام‌زدایی که شاه انجام می‌داد و همینطور عقب‌ماندگی و وابستگی علمی به بیرون بود. از لحاظ شرایط اقتصادی نیز می‌فرمایند که در واقع وضعیت اقتصادی رژیم شاه مبتنی بر مدل نوسازی غربی، غارتگری ثروت ملی، اقتصاد تک‌محصولی، محرومیت مناطق، شکاف طبقاتی، مصرف‌گرایی و نابودی تولید و نابودی کشاورزی و سلطه کمپانی‌های خارجی بود. بر وضعیت سیاسی نیز فساد همه‌جانبه، بیکفایتی و وابستگی و حکومت تحمیلی کودتایی (که از طریق دو کودتا یکی کودتای رضاخان بعد از مشروطه و دیگری کودتای محمدرضا شاه) حاکم بود.

#### ۶- به سوی آینده

نیاز است بحثی را با عنوان به سوی آینده داشته باشیم. واقعاً در مورد آینده بایستی ما چه کار کنیم؟ برای این هدف سه پیشنهاد و راهکار می‌توان ارائه داد که بتوانیم تداوم انقلاب و آینده انقلاب را تضمین کنیم:

#### اعتماد به توانمندی درون و اقتصاد مقاومتی

۱- یکی بحث‌هایی که به بحث برجام و اقتصاد مقاومتی بر می‌گردد. چرا باید به سمت اقتصاد مقاومتی برویم؟ این خودش یک سؤال است و چرا امسال حضرت آقا فرمودند سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل؟ اینکه

چرا بایستی به سمت اقتصاد مقاومتی برویم به این دلیل است که انقلاب از بعد از پیروزی تاکنون توانسته دستاوردهای جهانی بسیاری داشته باشد. در این شرایط غربی‌ها نشستند کار کردند و به این نتیجه رسیدند که از لحاظ نظامی دیگر از پس ما بر نمی‌آید. می‌دانید که غرب اگر بخواهد یک ملتی را تسلیم کند اول با زبان زور صحبت می‌کند یکی دو جلسه تشکیل می‌دهد و به قولی یک نامه‌ای را می‌نویسد و می‌گوید که این را اجرا کنید و اگر اجرا کردید که با شما دوست می‌شود و شما تسلیم او می‌شوید و این تسلیم شدن یعنی وابستگی، ولی اگر تسلیم نشوید آن وقت ماشین جنگی‌اش به حرکت در می‌آید. این کار را بارها و بارها و ده‌ها بار انجام داده‌اند و با حمله نظامی و مداخله نظامی یک ملت را از پای انداخته و یک حکومت را سرنگون کرده و یک حکومت دیگری را جای آن گذاشته‌اند و این روش‌هایی است که در مورد غرب می‌دانیم.

اما در مورد ایران اسلامی به این نتیجه نتوانستند برسند آن هم به خاطر تفکرات انقلابی و به خاطر پیشرفت‌هایی است که ما داشته‌ایم. یکی اینکه از لحاظ نظامی ما ماشین نظامی غرب را از کار انداخته‌ایم. این یک دستاورد بسیاری باارزشی است. به عبارت دیگر غرب به این نتیجه رسیده است که با ما با زبان زور نمی‌تواند صحبت کند. در نتیجه به جنگ اقتصادی و تحریم پناه برده است. بهترین کار برای مبارزه با انقلاب ایران در سطح جهانی بحث تحریم است. آنها به این نتیجه رسیده‌اند؛ البته بارها اعتراف کرده‌اند که تحریم به نتیجه‌نهایی نمی‌رسد ولی می‌تواند فشارهایی چند به ایران وارد کند. این تحریم‌ها هرچند ممکن است سرعت پیشرفت ما را کند کند و مشکلاتی را در اقتصاد به وجود آورد، اما راه مبارزه با آن اقتصاد مقاومتی همراه با اقدام و عمل است. ما باید اقتصاد مقاومتی را جدی بگیریم. همه قراردادهایی که غرب می‌بندد به نتیجه نمی‌رسد، آتش‌بس مقطعی است. برجام هم یک آتش‌بس است تا آنها بتوانند به اهداف پلید خود دست یابند. آنها می‌خواهند که ما عقب بنشینیم که اگر چنین کنیم غرب به اهدافی که در پیش رو دارد دست می‌یابد.

ما ماشین نظامی غرب را که سخت‌تر بود از کار انداختیم، حالا ماشین اقتصادی‌اش را، تسهیلات اقتصادی‌اش را باید از کار بیندازیم، اما چگونه؟! با اقتصاد مقاومتی و با اقدام و عمل.

ما در شرایط جنگی نیز تحریم بودیم. نفت را هم با قیمت پایین می‌فروختیم. قیمت یک بشکه نفت بعضی وقتها ۷ دلار تمام می‌شد، اما آن را ۴ دلار می‌فروختیم برای اینکه مشتریانمان را نگه داریم. پس جنگ را اداره کردیم الان هم فکر انقلابی می‌خواهد تا بتوانیم از این تحریم‌ها رهایی یابیم. راه رهایی ما بازگشتن به تفکر انقلابی و انقلابی بودن است.

انقلاب باعث بسیج نیروها می‌شود، فاصله‌ها را کم می‌کند، باعث اتحاد داخلی می‌شود، دشمن را در بیرون مشغول خودش می‌کند، ما باید در راهبردهایی که می‌دهیم جدی باشیم. جدی بودن به چه معناست؟ مثلاً فرض کنید ما یک راهبرد اعلام‌شده‌ای در مورد خلیج فارس داریم و می‌گوییم که در خلیج فارس "یا همه نفت می‌فروشند یا هیچ کس نمی‌فروشد". اما وقتی عربستان برای اینکه قیمت نفت کم بشود و نفت ایران را کسی نخرد گوش به حرف غربی‌هاست که ۱۳ میلیون بشکه نفت در روز تولید کند و بفروشد تا برای ایران مشکل به وجود آید اینجاست که ما باید جدی باشیم و راهبرد خودمان را در خلیج فارس که "یا همه نفت می‌فروشند یا

هیچ کس نفت نمی فروشد"، اجرا کنیم.

اگر دشمن بفهمد که ما در این زمینه ما خیلی جدی نیستیم و طرفدار آرامش هستیم و نمی خواهیم حالا خیلی مشکلی ایجاد شود، می گویند اینها اجرا نمی کنند بعد بدین شکل چند میلیون بشکه نفت را تولید می کنند و قیمت نفت را به ۲۰ دلار می رساند نفتی که به ۴۱۵ دلار و گاهی ۴۳۰ دلار هم داشت می رسد یک دفعه بیاید روی ۲۰ دلار. حال برمی گردیم به بحث برجام و اقتصاد مقاومتی و اینکه ما حتی اگر می خواهیم برجام هم اجرا بشود راهش اقتصاد مقاومتی است؛ چرا که اگر اقتصاد مقاومتی را جدی گرفتیم، تولید افزایش می یابد و دوستان ما نیز به یاری ما می شتابند. در نتیجه اقتصاد نیز آرام آرام رشد می کند و غربی ها می فهمند که دیگر هیچ اهرمی فشاری نمی تواند ما را از پای در آورد. بنابراین یک نکته به عنوان نتیجه بحث به سوی آینده برجام و اقتصاد مقاومتی، و آن اینکه ما باید اقتصاد مقاومتی را جدی بگیریم و از اقتصاد نفتی هم دور شویم.

### شناسایی و تقویت عوامل قدرت

نکته دوم این است که ما باید عوامل قدرتمان را شناسایی و تقویت کنیم. این یک کار منطقی است. اگر می خواهیم که انقلاب همچنان پیشرو باشد، دشمنان را منکوب کند و به نتایج خوب برسد، در سطوح منطقه ای و جهانی بایستی عوامل قدرتمان را مدام شناسایی و آنها را تقویت کنیم. ما یک کشور ثروتمند هستیم. ایران اسلامی در یک منطقه عالی در دنیا قرار گرفته است و دارای منابع معدنی بسیار ارزشمندی همچون نفت، گاز و مس و اخیراً اورانیوم است. باید عوامل قدرتمان را بازشناسی کنیم و مدام سعی در تقویت آنها داشته باشیم. یکی از عوامل قدرت ما دغدغه های فکری و فلسفی دارد. در جغرافیای سیاسی بحثی با عنوان علت وجودی کشورها وجود دارد. ما همین بحث را به گونه ای دیگر در رابطه با دول معاصر می توانیم به کار ببریم. ما یک انقلاب اسلامی را با اصول و تفکرات جدید انجام داده ایم که دقیقاً در مقابل اصول و تفکرات غرب (از نظر انسان شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی) قرار گرفته است. بنابراین ایران اسلامی بازگوکننده یک مسیر جدید برای دنیا است که باید روی این نقطه قوت کار کنیم. این مسأله یعنی تبلیغ در سطح جهانی که دارای محتوای فکری و فلسفی است، می تواند جای پای ما را در دنیا در بین ملت ها و در بین دولت ها و نخبگان در کشورهای مختلف تقویت کند.

### آسیب شناسی انقلاب

سومین بحثی که به عنوان نکته آخر باید اشاره کنیم در قضیه بحث آینده، بحث آسیب شناسی انقلاب اسلامی و ارائه راهکارهاست.

در بحث آسیب شناسی انقلاب اسلامی اولاً باید ببینیم که برای تداوم فکر انقلابی چه لوازمی مورد نیاز است و در این زمینه چه راه هایی وجود دارد. واقعاً کارهای علمی باید انجام دهیم و باید تلاش کنیم که از تقریر افکار نخبگان جلوگیری کنیم. همچنین از گرایش به غرب باید با جدیت جلوگیری کنیم. اگر می خواهیم انقلاب باقی بماند باید به این دو نکته بسیار حساس باشیم. ما بایستی گردش نخبگان را که امروزه مطرح است به گردش نخبگان شایسته تبدیل کنیم. دقت کنید در غرب در رابطه با گردش نخبگان اصلی وجود دارد که می گوید گردش نخبگان باعث ثبات سیاسی می شود، اما این به درد غرب می خورد. حتی در خود غرب هم اندیشمندان نشان



به گردش‌نخبگان شایسته معتقدند؛ یعنی هر نظامی باید آدم‌های را داخل سیستم به ویژه شغل‌های حساس و بالا وارد کند که شایستگی لازم را داشته باشند. حضرت امام هم می‌فرمود من در میان شما باشم یا نباشم نگذارید که انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. پس یک بحث کلیدی برای آینده روش انتخاب‌نخبگان شایسته است نه هر نخبه‌ای و نه هر فردی. وقتی افراد غیر معتقد وارد نظام مدیریتی یک کشور می‌شوند آن نظام را دچار تزلزل و چالش می‌کنند و آنها مسیر نظام را به طرف افکاری که دارند تغییر می‌دهند.

بنابراین برای تداوم تفکر انقلابی باید ما این کارها را انجام دهیم؛ یکی بحث گردش‌نخبگان شایسته و یکی هم بحث آینده‌پژوهی‌های هدفدار. یعنی آینده را بشناسیم و ببینیم که واقعاً دنیا به کدام سمت حرکت می‌کند و ما به کدام سمت داریم حرکت می‌کنیم و آینده‌سازی کنیم تا آینده‌پژوهی. در واقع باید به طرف آینده‌سازی‌های مطلوب حرکت کنیم و این کار امکان‌پذیر است؛ یعنی حالا مهم هم در این رابطه افکار نخبگان است و در بحث نخبگان، باید بحث‌های جامعه‌پذیری را جدی بگیریم و در بحث جامعه‌پذیری به رسانه‌های جدید توجه جدی داشته باشیم.

امروزه این رسانه‌های بسیار کارایی دارند به عنوان مثال همین تلگرام که می‌گویند در ایران ۴۵ میلیون نفر کاربر دارد. بنابراین در این کانال تلگرام می‌توان عواملی را تشکیل داد به نام جامعه شبکه‌ای که بعضی از این جوامع گاهی تا ۳۰۰-۲۰۰ هزار نفر عضو را شامل می‌شود. یعنی یک پیام در آن واحد برای ۳۰۰ هزار نفر ارسال می‌شود. بنابراین در این زمینه‌ها باید کار کنیم. باید این شبکه‌ها را خودمان در اختیار بگیریم. باید کاری کنیم که هر کس که در هر جا وارد این شبکه می‌شود ما را ببیند. باید فضای مجازی که در واقع مشروعیت این کار را به عهده دارد برنامه‌ریزی کند، نرم‌افزارهای خودی و داخلی داشته باشد، سیستم‌های عامل خودی داشته باشیم و خیلی از کارهایی که می‌شود انجام داد. یعنی بعضی از سرمایه‌گذاری‌ها واقعاً ارزش دارد و ممکن است شما چند میلیارد هم صرف کنید ولی نتیجه‌اش خیلی زود برمی‌گردد.

در فضای مجازی باید بیشتر کار و سرمایه‌گذاری کنیم. اگر می‌خواهیم که از پشت‌خنجر نخوریم با این وضعیتی که امروزه در دنیا وجود دارد، باید به بحث افکار نخبگان توجه داشته باشیم. بحث‌های گرایش به غرب را باید خنثی کنیم و گردش‌نخبگان شایسته را داشته باشیم. آینده‌پژوهی‌های هدفدار داشته باشیم که رسانه‌های جدید باید به این موضوع توجه کنند و عوامل قدرت خودمان را تقویت کنیم؛ هم عوامل فکری و هم فلسفی و هم عوامل مادی که ما داریم و در بحث برجام هم باید یادمان باشد که اگر اقتصاد مقاومتی را جدی گرفتیم غرب در همه اهرم‌هایش خلع سلاح خواهد شد.

اگر می‌خواهیم در مقابل غربی‌ها به پیروزی برسیم چه در مسأله هسته‌ای و چه در سایر فضاها که مهم‌ترین آنها بحث اقتصاد است، باید کاری کنیم که بتوانیم ایستادگی کنیم و با استفاده از اقتصاد مقاومتی ان‌شاءالله به این مهم خواهیم رسید.

به هر حال باید کاری کرد که بر روحیه انقلابی و مدیریت جهادی تأکید شود و در نهایت باید انتظار کشیدن در جامعه ارزش تلقی شود. اگر ما در برنامه‌ها، سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و انواع هنر در صدا و

سیما و غیره همین فکر را و همین نکاتی را که اینجا گفتیم بتوانیم به نسل‌های جدید منتقل کنیم آنها به این مسائل گرایش زیادی پیدا خواهند کرد. نکته آخر اینکه اگر به ویژه در سطح ملی تلاش کنیم، حتماً در سطح منطقه‌ای به موفقیت می‌رسیم.

پایان